

تاوان تاخیرهای گمرک را چه کسی می‌دهد؟

سوزاندن دلار پای اسکله



کیمیا ملکی: در برزخ میان تنش‌های فرسایشی و افق‌های نامعلوم منطقه‌ای اقتصاد ایران یکی از حساس‌ترین دوره‌های تاریخی خود را پشت سر می‌گذارد. وضعیت «نه جنگ و نه صلح»، فضایی از نااطمینانی پایدار را بر رفتار سرمایه‌گذاران، صنعتگران و بازرگانان حاکم کرده است. شرایطی که در آن تورم ساختاری بالای ۴۸ درصد، پرواز هزینه‌های لجستیک و کمبود سرمایه در گردش، خطوط تولید را در محاصره قرار داده و تجارت خارجی را به نبردی نفس‌گیر برای حفظ بازارها بدل ساخته است. از خطوط مونتاژ تا بندر تجاری، بازیگران اقتصاد واقعی در حال بازتعریف بقا و سودآوری هستند. در این میان، مسئله بنیادین دیگر صرفاً تحمل فشارها نیست، بلکه خلق راهبردی نوآورانه برای پیوند زنجیره‌های تامین داخلی با پیمان‌های چندجانبه، تسهیل قوانین ارزی و نجات نقدینگی بخش مولد است تا کشتی تجارت کشور از تندبادهای این تعلیق به سلامت به ساحل ثبات برسد.

اقتصاد در میدان عدم قطعیت‌های پیوسته

واژه نااطمینانی در ادبیات اقتصاد، سمی مهلک‌تر از رکود یا حتی شوک‌های ناگهانی شناخته می‌شود. زمانی که یک اقتصاد در مختصات «نه جنگ، نه صلح» تنفس می‌کند، افق تصمیم‌گیری مدیران بنگاه‌ها از برنامه‌ریزی‌های بلندمدت چندساله، به خریدهای احتیاطی چندماهه و حتی هفتگی تنزل می‌یابد. در چنین اقلیمی، فعال اقتصادی ترجیح می‌دهد دارایی خود را نقد یا تبدیل به دارایی‌های با قابلیت نقدشوندگی سریع کند؛ رفتاری کاملاً طبیعی اما با پیامدی ویرانگر برای سرمایه‌گذاری ثابت در خطوط تولید. تولیدکننده ایرانی امروز با معادله‌ای چند مجهولی روبروست؛ از یک سو هزینه‌های فزاینده بیمه باربری دریایی، کارمزدهای مضاعف ترانکشن‌های مالی و ریسک‌های لجستیکی ناشی از ناپایداری‌های منطقه‌ای و از سوی دیگر بازار داخلی که به دلیل افت تدریجی قدرت خرید مصرف‌کننده، کشش افزایش متناسب قیمت نهایی کالا را ندارد. این وضعیت دقیقاً همان نقطه حساسی است که بنگاه‌ها را میان دو لبه قیچی تورم هزینه‌ها و انقباض تقاضا قرار می‌دهد.

انجماد تسهیلات بانکی و عطش ناتمام سرمایه در گردش

یکی از ملموس‌ترین چالش‌های ماه‌های اخیر، تضاد آشکار میان دو سیاست کلان بوده است: سیاست انقباضی بانک مرکزی برای مهار رشد نقدینگی از طریق کنترل ترازنامه بانک‌ها در برابر نیاز حیاتی کارخانه‌ها به ریال بیشتر برای پوشش تورم مواد اولیه.

بانک‌های کشور به دلیل رعایت حدود مجاز پرداخت تسهیلات، در عمل ترمز اعطای وام به بنگاه‌ها را کشیده‌اند. کارخانه‌ای که ۲ سال پیش برای تأمین مواد اولیه سه ماهه خود به ۱۰۰ میلیارد تومان سرمایه در گردش نیاز داشت، امروز با همان حجم تولید، به بیش از ۲۵۰ میلیارد تومان نقدینگی محتاج است. از آنجا که سقف اعتباری بانک‌ها متناسب با تورم ۴۸ درصدی رشد نکرده، خطوط تولید با پدیده قحطی نقدینگی دست‌به‌گریبان شده‌اند. نرخ سود واقعی نیز اگرچه روی کاغذ جذاب به نظر می‌رسد اما دسترسی به همین منابع محدود اغلب برای شرکت‌های کوچک و متوسط که بیش از ۶۰ درصد اشتغال صنعتی را تشکیل می‌دهند، به فرآیندی فرساینده و تقریباً ناممکن تبدیل شده است.

نجات تجارت خارجی در دوره تنش

گسترده ابزارهایی مانند اوراق گام، برات الکترونیک و ال‌سی‌های داخلی می‌تواند عطش نقدینگی بنگاه‌ها را بدون چاپ پول و خلق تورم جدید سیراب کند و پیوند اعتباری میان حلقه‌های بالادست و پایین‌دست صنایع را محکم سازد.

هم‌افزایی حداکثری با پیمان‌های تجاری منطقه‌ای: بهره‌گیری فوری از توافق تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا و فعال‌سازی پروتکل‌های همکاری در بستر بریکس و سازمان همکاری شانگهای؛ این توافقی‌ها باید از روی کاغذ به تعرفه‌های ترجیحی

بسته ویژه حمایتی تهیه شود

متناسب با وضعیت حکایت دارد؛ اما عملکردها با آنچه انتظار می‌رود متفاوت است.

این فعال اقتصادی تصریح کرد: بسته ویژه حمایتی مربوط به دوران «نه جنگ و نه صلح» تهیه شود.

محمود تولایی رئیس اتاق کاشان از وضعیت دستمزدها و شرایط کاری نامناسب سخن گفت و تصریح کرد: کارفرمایان در راستای

برای خروج از بن‌بست کنونی و بازگرداندن رونق به تجارت خارجی، رویکرد کشور باید از انفعال و اداره روزمره به تاب‌آوری فعال دگرگون شود. این راهبرد در ۴ ستون عملیاتی استوار است: انعطاف در بازگشت ارز و کشف نرخ در بازار توافقی؛ آزادسازی تدریجی بازگشت ارز برای صنایع غیرمنبع‌محور و اجازه واگذاری ارز به نرخ توافقی و رقابتی میان صادرکننده و واردکننده، انگیزه صادرات را دوباره شعله‌ور کرده و شفافیت را به بازار بازمی‌گرداند. گذار از تسهیلات نقدی به ابزارهای اعتباری نوین: توسعه

محمد خاکی، رئیس اتاق خرم‌آباد در همین رابطه به صمت گفت: از اسفند سال قبل تا امروز تورم، افزایش بهای کالای تمام شده و رشد نیاز به نقدینگی واحدها، شرایط اقتصادی را به خوبی نشان می‌دهد اما در همین وضعیت رویکرد بانک‌ها در پرداخت تسهیلات تغییری نکرده است.

شرایط از اهمیت تغییر روش‌ها و رویکردها برای ایجاد محیطی

بازنگری مقررات

محمد لاهوتی، رئیس کمیسیون توسعه صادرات اتاق ایران از تفاوت شرایط امروز و روزهای پیش از جنگ و لزوم درک این تفاوت‌ها در دولت و اصلاح در رویه‌های جاری سخن گفت تا بتوان ارزآوری را گسترش داد.

به اعتقاد وی باید قیودی را برداریم تا صادرات تداوم پیدا کند و لازم است مقررات مورد بازنگری قرار بگیرد تا شاهد تسهیل بازگشت ارز و بهبود شرایط تجاری شویم. همچنین این فعال اقتصادی پیشنهاد داد: اجرای قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز توسط شعام برای مدتی متوقف شود و یا بندهایی از این قانون که نیاز به تسهیل شرایط دارد مورد بازنگری قرار گیرد. در هر صورت اعتقاد داریم اصلاح آیین‌نامه اجرایی این قانون، دردی را درمان نمی‌کند.

شوک مواد اولیه و زنجیره تامین

که زیر بار هزینه‌ها خم شد

قلب تپنده هر واحد صنعتی، جریان پیوسته و پایدار مواد اولیه، قطعات یدکی و ماشین‌آلات مدرن است. در ماه‌های اخیر، زنجیره تامین بخش عمده‌ای از صنایع کلیدی از خودروسازی و لوازم خانگی گرفته تا صنایع غذایی، دارویی و شیمیایی با دو گلوگاه اساسی روبرو بوده است؛ افزایش تصاعدی هزینه خرید نقدی و رسوب کالا در مبادی ورودی.

وقتی عدم قطعیت‌های ژئوپلیتیک تشدید می‌شود، تامین‌کنندگان خارجی خواستار دریافت تضامین سنگین‌تر، پیش‌پرداخت‌های کامل و تسویه‌های فوری می‌شوند؛ تسهیلات اعتباری کوتاه‌مدت خارجی با یوزانس تقریباً به صفر می‌رسد و بار تمام این کمبودها به نقدینگی ریالی و ارزی بنگاه سرازیر می‌گردد. در داخل نیز فرآیندهای طولانی تخصیص ارز و ترخیص گمرکی سبب شده تا خواب سرمایه در انبارهای گمرکی طولانی‌تر شود. هر روز تأخیر در ترخیص یک قطعه حیاتی یا ماده پتروشیمیایی و معدنی، به معنای توقف خط، تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور دمووراز کشتی‌ها و در نهایت گران‌تر شدن محصول برای مصرف‌کننده نهایی است.

کلاف پیچیده ارز، پیمان‌سپاری و

نبض تند بازار آزاد

در حوزه تجارت خارجی، نرخ ارز صرفاً یک عدد بر تابلوی صرافی‌ها نیست؛ بلکه قطب‌نمای سودآوری و برنامه‌ریزی صادرات است. فاصله میان نرخ‌های دستوری سامانه‌ها و واقعیت‌های بازار آزاد، چالشی دوگانه برای صادرکنندگان و واردکنندگان ایجاد کرده است.

صادرکننده غیرنفتی به‌ویژه در بخش کالاهای با ارزش افزوده بالا نظیر صنایع نساجی، قطعه‌سازی، صنایع دستی و مصنوعات فلزی کالای خود را با هزینه‌های تورمی بازار آزاد در داخل تولید می‌کند اما طبق ضوابط پیمان‌سپاری ارزی موظف است ارز حاصل از صادرات خود را با نرخ‌هایی به مراتب پایین‌تر به سامانه بازگرداند. این فاصله قیمتی نه تنها انگیزه صادرات را در بازارهای سنتی کاهش می‌دهد، بلکه راه را برای خروج صادرکنندگان شناسنامه‌دار و اصیل باز می‌کند. از طرف دیگر، تولیدکننده برای جایگزینی دوباره موجودی انبار خود باید همان ارز را با هزینه‌های مضاعف تبدیل و حواله کند که این امر، چرخه معیوب خروج سرمایه و توقف صادرات را سرعت می‌بخشد.

معمای اشتغال در سایه نرخ مشارکت ۴۰ درصدی

بررسی لایه‌های آماری بازار کار نشان می‌دهد که اگرچه نرخ بیکاری رسمی در محدوده ۷.۵ درصد تثبیت شده، اما نرخ مشارکت اقتصادی حدود ۴۰.۶ درصدی گویای واقعیتی عمیق‌تر است: بخش قابل توجهی از جمعیت فعال و به‌ویژه فارغ‌التحصیلان جوان از جستجوی شغل در بخش‌های رسمی و صنعتی دلسرد شده‌اند.

تولید صنعتی به دلیل فشار هزینه‌های سرکوب‌شده و کمبود سودآوری عملیاتی، توان رقابت با بخش‌های غیرمولد و دلالتی را در پرداخت دستمزدهای متناسب با تورم از دست داده است. در نتیجه، صنایع کشور با بحران مضاعف کمبود نیروی کار ماهر و تکنسین مواجه شده‌اند. کارخانه‌دار با خطوط خالی از اپراتور ماهر روبرو است، در حالی که نیروی جوان ترجیح می‌دهد به سمت مشاغل خدماتی منعطف یا بسترهای غیررسمی تمایل پیدا کند. این شکاف ساختاری، بهره‌وری کل عوامل تولید را به شدت کاهش داده است.

سخن پایانی

آنچه از واکاوی این قیمت‌ها و ثبت رکوردهای نجومی در شهریور ۱۴۰۵ به دست می‌آید، هشدار صریح درباره فرسایش کیفیت زندگی و تبدیل شدن حقوق مسلم معیشتی به حسرت‌های پایدار است. هنگامی که یک جوان برای خرید ابزار کار، یک خانواده برای تهیه لوازم خانه و شهروندان برای تجربه‌های ساده تفریحی با سدهای چند ده و چند صد میلیونی مواجه می‌شوند، انگیزه تلاش و نشاط اجتماعی تحلیل می‌رود. تداوم این شکاف میان دستمزدهای واقعی و هزینه‌های واقعی، خطر گسست اقتصادی و تضعیف پایدار تقاضا در بازارهای داخلی را دوچندان می‌کند. بازگشت پایداری به اقتصاد مستلزم تصمیم‌گیری‌های شجاعانه در مهار نوسانات ارزی، تسهیل واقعی تجارت و حمایت موثر از قدرت خرید آحاد جامعه است؛ پیش از آنکه خاطره یک زندگی استاندارد و معمولی، برای همیشه به یابگانی تاریخ سپرده شود.



صفر در گمرکات، استانداردسازی یکپارچه و مبادلات با ارزهای ملی یوان، درهم، روبل و دینار ترجمه شوند.

روان‌سازی مرزها و جهش لجستیک ترانزیتی: شبانه‌روزی کردن گمرکات مرزی با همسایگان عمده به‌ویژه عراق، ترکیه، ارمنستان و پاکستان، حذف بوروکراسی بازرسی‌های تکراری، و سرعت‌بخشی به ترانزیت کالا در کریدور شمال-جنوب، می‌تواند موقعیت ژئوپلیتیک ایران را به منبعی پایدار و تسخیرناپذیر از درآمد ارزی و امنیت اقتصادی تبدیل کند.



حفظ نیروی کار تلاش جدی کرده‌اند، با وجود اینکه تورم و افزایش هزینه‌ها، نیاز به نقدینگی را افزایش داده است و در این راستا خواستار حمایت‌های دولت از واحدهای اقتصادی هستیم.

به دنبال کمک بلاعوض نیستیم

عباس کاظمی، رئیس اتاق بجنورد در این جلسه یادآور شد: دولت باید فرصت عبور از بحران را برای بنگاه‌های اقتصادی فراهم کند و اگر نه بخش خصوصی دنبال کمک بلاعوض از دولت نیست.

وی استمهال بدهی‌ها، مالیات، بیمه و سایر موضوعات را به عنوان راهکار مطرح کرد و افزود: بنگاه‌های اقتصادی درگیر شرایطی هستند که عامل بروز آنها نیستند اما فشار سنگینی را باید متحمل شوند، در این شرایط همراهی بیشتر دولت را نیاز دارند.

